



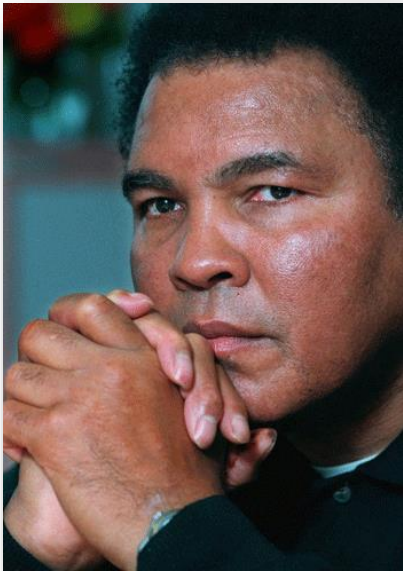
۲۰۱۶/۰۶/۰۴



صالحه واهب واصل

محمد علی کلی به حق پیوست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِنَّهُمْ صَادِقُوَالَّذِيْنَ اٰنَا اِلَيْهِ جَعُوْنَا



به اساس گزارشات و شایعات انترنتی و رسانه های صوتی و تصویری امریکایی اطلاع حاصل کردیم که محمد علی کلی بوکس شهیر و قهرمان سنگین وزن جهان، در دهه ۷۰ میلادی امروز صبح (۰۴ - ۰۶ - ۲۰۱۶) نسبت تنگی شدید نفس به حق پیوسته جهان فانی را وداع گفت. محمد علی کلی که مدتی طولانی از مطرح ترین، محبوب ترین و پولدارترین ورزشکاران در اسطوره های تاریخی ورزش بود، بعد از گذاشتن و تحمل بیماری های دوامدار پارکینسون و نفس تنگی به عمر ۷۴ سالگی از قید حیات رهائی حاصل کرد و به صدر اخبار جهان بازگشت.

محمد علی کلی که اسم اصلی اش کاسیوس مارچلوس کلی میباشد در سال ۱۹۴۲ میلادی در لوئیزویل، کنتاکی در یک خانواده فقیر چشم به دنیا گشود. مادرش بابتیست و پدرش متودیست بود. وی ورزش بوکس را از سن دوازده سالگی تمرین میکرد و در سنین بلوغت به منظور خرید موتوری برای والدینش به صورت جدی آغاز به کار کرد. در سن بیست سالگی اکثریت مردم او را اسطوره بوکس در تمامی اعصار دانستند. در سن بیست و دو سالگی بخت به سراغش

آمد و در ۲۵ فبروری ۱۹۶۴ برای اولین بار موفق شد در مسابقات فاینل قهرمانی بوکس جهان راه یابد، وی مسابقه را با «سونی لیستون» که قهرمان بوکس دوران بود، انجام داد و با درایت و روشی خاص خود بر او غالب گردید. زمانی که بر سونی لیستون غالب آمد، همه نگاه ها به سوی حریف پرآوازه اش، سونی لیستون بود که در روند ششم نسبت ضربه شدیدی که بر داشته بود، نتوانست داخل رینگ شود. محمد علی کلی به وسط رینگ مسابقه آمده چرخ زد و در حالی که به بالا می پرد، فریاد زنان گفت: "سونی لیستون، قهرمان بوکس، تسلیم شده است، من پادشاه ناشناسم آن ناشناخته ای که یک هیولای بزرگ و بد طینتی را مغلوب ساخت که بر همه غالب آمده بود و حریف نداشت. این ناشناخته کاسیوس کلی بود که از کنتاکی آمد و او را متوقف کرد، کسی را شکست داد که دو بار پترسون (قهرمان بوکس) را مغلوب کرده بود من بزرگ ترینم و این آغاز یک تاریخ است."

تنها زبان کلی در آن رقابت، تند و تیز نبود، بل او چالاک بود و با زبان بدنش حریف را تحریک می کرد، به طور مثال هنگام مسابقه، به جای آن که دست هایش را برای دفاع از صورتش استفاده کند، آنها را به پائین می آویخت و به دور حریف خود می رقصید. نوع جنگیدن وی جداً منحصر به فرد بود.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنېت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلېکنې دلېکنېزې بڼې پاڼوالې دلېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالېرلو مخکې په خیر و لولئ

محمد علی کلی قبل از مسابقه با لیستون، او را "خرس پیر و زشت" میخوانده است. خود هم با گردن بندی که روی آن "شکارچی خرس" نوشته شده بود، در مقابل کمره عکاسان ظاهر میگردیده. پس از همین تاریخ و پیروزی هایش در بازی های المپیک روم، نام کلی بر سر زبان ها افتاد و در بین مردم امریکا محبوبیت خاصی کسب کرده، منحنیث یک شخص خوش تیپ، جذاب و موفق شناخته شد. از یک طرف به دلیل روش خاص بوکسش و از جانب دیگر نسبت لحن درشتش در گفتار همواره نگاه مردم را با طرز سخنرانی خاصش به خود جلب می کرد.

بازی بوکس به نام محمدعلی در ذهن ها جاودان شد، زمانی که سیاهان در امریکا منحنیث باشندگان درجه دو در کشور پنداشته میشدند. کلی در یکی از مصاحباتش در مورد خود چنین می گوید: "من خطرناکم، من درخت انداخته ام، با تمساح جنگیده ام، نهنگ شکار کرده ام، رعد را به زندان انداخته ام و به برق آلچک زده ام، هفته گذشته یک صخره را کشتم، من سریع ام ... سریع". این بوکسر ۱۹۱ سانتی متری با صراحت گفته است: "که من همچون پروانه بال می زنم و مثل زنبور نیش"

محمد علی کلی در سال ۱۹۶۳ برای معرفی شایستگی های خود، الیومی را به نام «من بهترینم» منتشر کرد که سبب عرف و محبوبیت بیشترش در میان برخی از افراد جامعه و موجب برانگیختن تمسخر یک طبقه دیگری از جامعه گردید.

نورمن میلر، نویسنده ای که به مفهومی به نام "علی" پرداخته، این حرکات او را استراتژی های اندیشیده شده از قبل دانسته و بر این عقیده بود که "پیروزی در «بوکس» تا حد بسیار زیادی به اعتماد به نفس کلی مربوط میشود. علی کلی تمام تلاش خود را کرده که حریف را قبل از آغاز مسابقه ناراحت و از نظر روحی ضعیف سازد. حریف باید عصبی و آشفته میبود، تا علی راحت تر و به سادگی با او مواجه میشد. او به شیوه ای باورنکردنی به هدف خود دست یافت."

یان فیلیپ ریتمسما، نویسنده توانای دیگری معتقد بر این است که «علی کلی» برای سفیدپوستان مریکا در شروع دهه ۱۹۶۰ یک تحریک بسیار جدی به شمار می آمد. او میگوید: "کلی کسی نبود که حاضر باشد از مواضع خود عقب نشینی کند، به قواعدی پایبند بوده در برابر خبرنگاران رعایت ادب کند. وی زمانی که احساس می شد، جامعه سیاه پوست در اکثر عرصه ها در سطح پائین تر از سفیدپوستان قرار دارند، همواره می گفت که زیباترین و بهترین است که ریتمسما این رفتار وی را یک سیاست تام می داند.

به اساس گزارش **ره یافتگان (پایگاه جامع مبلغین و تازه مسلمانان)** کاسیوس کلی بوکسر شهیر امریکایی، قهرمان سه دوره از مسابقات جهانی سنگین وزن بوکس، در سال ۱۹۶۵ هجده روز قبل از آن که وی سونی لیستون را شکست دهد و به قهرمان سنگین وزن جهان تبدیل شود، تحت تأثیر مالکوم ایکس قرار گرفته و به «مسلمانان سیاه پوست» پیوست، به اسلام گروید و نامش را از کاسیوس کلی به محمدعلی کلی تغییر داد. بعد از اسلام آوردن، تغییرات فاحشی در رفتار و شخصیتش ایجاد شد. و با تأکید بر اهمیت دین اسلام در زندگی اش به عنوان نیرویی معنوی، دیگر در مورد موفقیت ها و کامیابی هایش کم تر سخن میگفت و از غرور و خود پسندی دست برداشته بود. کلی همیشه تأکید داشت که تغییر نامش به «محمد علی»، یکی از مهم ترین اتفاقات در زندگی اش محسوب می شود. محمدعلی یکی از اولین چهره های مطرح در امریکا بود



د پانو شمیره: له ۲ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

که با مسلمان شدنش توجه بسیاری از رسانه ها را به خود جلب کرد. عکس های وی بیش تر از سی بار نمای روی جلد مجلات ورزشی شد و نام و چهره اش به مردم سراسر جهان شناسانده شد.

علی کلی برداشتنش را از برابری انسان ها در اسلام چنین ابراز داشته است: **"من لحظات بسیار زیبایی را در زندگی ام تجربه کردم. اما ناب ترین احساسی که در زندگی ام داشته ام لحظه ای بود که هنگام مناسک حج در صحرائی عرفات ایستادم. احساس من در آن فضا وصف ناپذیر است. یک و نیم میلیون زائر برای طلب بخشش و شکر نعمت هایی که خدا به آنان عطاء کرده با اشک و زاری و با عجز در صحرا جمع شده بودند. این یک تجربه بسیار هیجان انگیز برای من بود وقتی که می دیدم انسان ها از تمام رنگ ها، نژادها، ملیت ها، زبان ها، پادشاهان، سران قدرت و مردمان عادی از کشورهای فقیرنشین همگی با فقط دو پارچه تکه سفید ملبوس شده و فارغ از هرگونه حس غرور یا حقارت به نیایش با الله پرداخته اند. این جلوه ای عملی از مفهوم برابری در اسلام بود"**

محمد علی شخص سر سختی بو و سرسختی او شکست ناپذیر به نظر می رسید و به همین دلیل ۸ بار از مقام قهرمانی جهان دفاع کرده بود و یکی از دلایل موفقیت درین عرصه هم همین سرسختی و متاناش بود. در سال ۱۹۶۷ زمانی که برای جنگ در ویتنام او را برای خدمت عسکری خواستند، او سر باز زد که عواقب آن محکوم شدنش به ۵ سال حبس و از دست دادن مجوز رسمی بوکس او بود که کمسیون ورزشی نیویارک، آنرا معلق قرار داد و از به رسمیت شناختن وی به عنوان قهرمان سرباز زد. بعد از این مسئله، حرفه و کار محمدعلی در نظر ها بسیار مبهم و پیچیده بوده است. گفته شده که در آن دوران وی فراتر از قوای جسمی اش به مبارزه می پرداخته. روایت است که محمد علی کلی با پرداخت پول گزاف خودش را از زندان رها کرده است.

محمد علی کلی مدت سه سال اجازه بوکس نداشت، ولی در این عرصه حاضر بود میگفت: "من به خاطر پرستیج و دلایل شخصی خودم مبارزه نمی کنم. من می جنگم که به برادرانم که در امریکا روی زمین خوابیده اند، سیاهانی که با کمک های دولتی زندگی میکنند، چیزی برای خوردن و نوشیدن ندارند، چیزی از خود نمی دانند و آینده ای ندارند روحیه بدهم .

سال ۱۹۷۱ کلی بار دیگر به روی رنگ مسابقه ظاهر شد و اولین شکست حرفوی اش را بعد سال ها، در برابر **جو فریزیر** پذیرفت. "دوچه وله" صدای آلمان مینویسد "بسیاری، در پی این حادثه، نام او را از سیاهه ی "اسطوره ها" بیرون کشیده بودند، ولی کلی بار دیگر به اوج شهرت بازگشت و دو بار دیگر قهرمان جهان شد. موفقیتی که تا هنوز هیچ بوکسری به آن نائل آمده نتوانسته است". او در سال ۱۹۹۶ مدال طلای افتخاری المپیک را از آن خود کرد ولی گفت که این مدال را خودش در اعتراض به نژادپرستی در دریای اوهایو انداخته بود.



در ۲۷ جون ۱۹۷۹ محمد علی کلی تقاعد کرد و با دنیای پر هیجان رنگ مسابقه و بوکس وداع نمود. گرچه در طی دو سال بعد تر از آن هم مسابقاتی انجام داد ولی در آخرین مسابقه خود در برابر **ترور برییک** که ۱۲ سال از او جوانتر بود شکست خورد و پس از این شکست در سال ۱۹۸۱ با رکورد ۵۶ موفقیت، ۳۷ نیک

د پانو شمیره: له ۳ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

اوت و ۵ باخت به صورت قطعی از بوکس کناره گیری کرد.

متأسفانه در نهایت تشخیص داده شد که وی مبتلا به بیماری پارکینسون (لرزش اعضای بدن) است. بیماری ای که گفته می شود به دلیل ضربات متعدد به سرش در جریان مسابقات بوکس در بدنش ایجاد شده است و به دلیل همین بیماری و نفس تنگی بیش از حد هم که ناشی از بیماری پارکینسون بوده، در گذشته است.

در ذیل نقل قول‌های از محمدعلی کلی را که در طول این سالیان عنوان کرده است برای تان نکته چینی نموده ام:



*دوستی و رفاقت، سخت ترین چیز در دنیا برای توصیف کردن است و این موضوع را در هیچ مکتبی به شما آموزش نمی‌دهند. اگر شما معنی دوستی و رفاقت را فرا نگیرید در واقع چیزی نیاموخته اید.

“ *غیرممکن” تنها یک کلمه بزرگ برای افراد حقیر است برای گذشتاندن زندگی آسان و بی زحمت.

*قدرت سبب ایجاد تغییراتی در زندگی است.

*نا ممکن یک حقیقت نیست، یک باور است و “ممکن” اظهار نظر نیست یک شهامت است بالفقه.

*با تصور ذهن و باور قلب می توانم به هر آنچه می خواهم دست یابم.

*از تمرین متنفرم بودم اما به خود گفته ام که دست از تمرین مکش، اگر میخواهی زیر عنوان یک قهرمان زندگی کنی.

*تتفر از مردم به خاطر رنگ پوست شان اشتباهی محض است. مهم این نیست که کدام از رنگ پوست بدتان می‌آید، مهم این است که این طرز تفکر صد درصد اشتباهست.

*قهرمانان در کلب های سپورتی متولد نمی‌شوند. قهرمانان از رویا، آرزو و دید درون شان به وجود می‌آیند. آنها باید مهارت و اراده داشته باشند ولی در این بین اراده ورزشکار باید از مهارتش قوی تر باشد تا تبدیل به قهرمان شود.

*روزهایت را نشمار، روی روزهایت حساب باز کن.

*مانند پروانه در آسمان ها پرواز کن و مثل زنبور نیش بز.

د پانو شمیره: له ۴ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

* هر روز طوری زندگی کن که گوئی آخرین روز زندگی ات است، زیرا سرانجام روزی وقت رفتن خواهد رسید.

* من یک مبارزم و به تجارت چشم در چشم اعتقاد دارم. من تغییر دهنده دیکوریشن صورت نیستم. به کسی که نمی خواهد عقب بکشد احترام نمی گذارم. تو سگ من را کشتی پس بهتر است گربه ات را پنهان کنی.

* شخص بدون تخیل در واقع بالی ندارد.

* برای قهرمان بزرگ بودن، باور بهترین بودن شرط است.

* فقط یک شکست می تواند روحیه را از عرش به فرش برساند و لی یک پیروزی می تواند مجدداً روحیه را به اوج بازگرداند.

* به چیزی که فکر می کنید می رسید.

* بهترین راه رسیدن به رویاهای تان بیداری است.

* تا هدف خاصی داری چیزی را از دست نداده ئی، بازنده واقعی آنست که بی هدف مشخصی مبارزه میکند.

* خدمت به دیگران در واقع بهایی است که بابت حضور تان در روی کره زمین می پردازید.

* آنی که شجاع نباشد قادر به انجام هیچ چیز در زندگی نخواهد بود.

* اکثر موانع بزرگ، کوهها نیستند که سد راه شما شوند، گاهی یک ریگ کوچک در کفش می تواند مانع رسیدن شما به هدف گردد.

* کسی که در ۵۰ سالگی همانند ۲۰ سالگی اش به دنیا می نگرد در واقع ۳۰ سال از عمرش را بیهوده از دست داده است.

* سن، چیزی است که به آن فکر می کنید. شما پیرتر از آن چیزی هستید که فکرش را می کنید.

* من به دین اسلام ایمان آوردم. من خدا و صلح را باور دارم.

* ترس از رویارویی با مشکلات بی ایمانی است و من به خود ایمان دارم.

* وقتی تا حدی به اندازه من بزرگ باشی فروتنی کاری بسیار دشوار است.

* شوخی؟ شوخی در کار نیست. حقیقت همان شوخی های زندگی ما هستند. من جزیی از امریکا هستم که شما من را به رسمیت نمی شناسید اما به من عادت می کنید. سیاهپوست، با اعتماد به نفس و جسور. نامم برای خودم است نه برای شما. مذهبم از آن من است نه از شما. اهداف من اختصاصی است. به من عادت خواهید کرد.

* وقتی جواب خوبی ندارید، سکوت طلاست.

* من بهترینم.

* من بهترین بودم و زیباترین میباشم.

د پانو شمیره: له ۵ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

*می‌دانم حقیقت چیست و به کدام ره روانم، نمی‌خواهم چیزی باشم که تو آرزوی آنرا داری. من آزاده‌ام. می‌خواهم چیزی باشم که خواست من است.

*من بهترینم، حتی پیش از این نیز گفته بودم که می‌دانم بهترینم.

*هرگز به شکست خوردن فکر نکرده بودم ولی حالا این اتفاق برایم افتاد و این تنها چیزی است که به درستی اتفاق افتاد. شکست جزیی از زندگی همه ماست.

*تنها چیزی که باعث پیشرفت من می‌شود و به جلو می‌راند، اهدافم است.

*خداوند بزرگترین است. من فقط بوکسر بزرگ هستم.

* زندگی قمار است. ممکن است شما صدمه ببینید و یا افرادی در سقوط یک طیاره جان خود را از دست بدهند. همچنین امکان دارد انسان‌ها دست و پای خود را در تکر موتو و یا حادثه دیگر از دست بدهند. این موضوع در مورد مبارزه‌ها نیز صدق می‌کند و ممکن است برخی جان خود را در این راه از دست بدهند، برخی مصدوم شوند و در مقابل برخی دیگر پیروز شوند. تنها به خاطر داشته باشید که به خودتان تلقین نکنید این اتفاق ممکن است برای شما بیفتد.

پایان

د پانو شمیره: له ۶ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ